

Ethical Analysis of a Man's Remarriage in the Situation of His Wife's Infertility

Tahere Mahdavian¹  Hassan Boosaliki² 

1-Ph.D.Candidate in Islamic Student Maaref University, Qom Iran, (Corresponding Author)
mahdavian@maaref.ac.ir

2- Assistant Professor, Institute for Culture and Islamic Thought, Tehran, Iran.
h. boosaliki@isca. ac.ir



Abstract

Maintaining individual health, the principle of human dignity, and the principle of fairness are ethical principles whose implementation for a wife who lacks fertility comes into conflict with the right to polygamy — which is a legal and religious right of the husband. These conflicts between spouses affect the health of all family members. The present study addresses the solution to the problem of the conflict between the wife's ethical rights and the husband's right to polygamy. This paper, using an analytical-descriptive method and with the aim of realizing an ethical life for strengthening the foundation of the family, examines the arguments for and against the husband's right to polygamy. The results show that both extra-religious and intra-religious arguments are ineffective for issuing a general ruling, and the proposed solution is situation analysis and detailed judgment. The analysis of the moral agent's situation involves assessing his position by taking into account all existing circumstances. Therefore, to enumerate the conditions

Cite this article: Mahdavian, T; Boosaliky, H (2026). Ethical Analysis of a Man's Remarriage in the Situation of His Wife's Infertility, Journal in Applied Ethics Studies, 83(1), 181-213
<https://doi.org/1022081/jf.2025.73033.2090>

 **Publisher:** Islamic Sciences and Culture Academy, Isfahan, Iran. ***Type of article:** Research Article
 **Received:** 2025/09/30  **Revised:** 2025/12/11  **Accepted:** 2025/12/17  **Published online:** 2026/07/13
© 2026 "Authors Retain Unrestricted Copyright To Their Articles". 

under which the moral agent (the husband) faces such a dilemma, five components can be examined: the moral agent's awareness of treating infertility through assisted reproductive methods, the moral agent's (the man's) ability to epistemically justify the decision to his first wife, the timing of choosing a second wife, the man's occupational characteristics, and the prevailing culture in certain regions.

Keywords

Family Ethics, Applied Ethics, Conflict of Rights and Ethics, Right to Polygamy, Principle of Fairness.



الزواج الثاني للزوج في حالة عقم الزوجة دراسة تحليلية أخلاقية

طاهره مهدويان^۱ حسن بوسليكي^۲

۱- حاصلة على الدكتوراه، جامعة المعارف الإسلامية، قم، إيران (الكاتبة المسؤولة).

mahdavian@maaref.ac.ir

۲- أستاذ مساعد، معهد العلوم والثقافة الإسلامية، قم، إيران.

h.boosaliki@isca.ac.ir



۱۸۳

الملخص

يعدّ الحفاظ على صحّة الإنسان، ومبدأ الكرامة الإنسانية، ومبدأ العدل والإنصاف من الأصول والمبادئ الأخلاقية التي يتعارض تنفيذها في شأن الزوجة التي تعاني من العقم وعدم الإنجاب، مع حق الزوج في تعدّد الزوجات، وهو حق قانوني وديني له، الأمر الذي يترك أثراً شديداً على صحّة جميع أفراد الأسرة. تأسيساً على ذلك، تسعى هذه الورقة، من خلال المنهج الوصفي - التحليلي، أن تميّط اللثام عن الحلّ الأخلاقي لقضية التعارض بين حقوق الزوجة الأخلاقية وحق الزوج في تعدّد الزوجات، وأن تتناول بالنقد والتحليل أدلّة المؤيدين والمعارضين لحق الزوج في تعدّد الزوجات، وذلك بهدف تحقيق الحياة الأخلاقية من أجل تعزيز كيان الأسرة. تظهر نتائج الدراسة أن الأدلّة والحجج داخل نطاق الدين وخارجه غير

—**الاستناد إلى هذه المقالة:** مهدويان؛ طاهره، بوسليكي، حسن (۲۰۲۶). الزواج الثاني للزوج في حالة عقم الزوجة دراسة تحليلية أخلاقية. دراسات في الأخلاق التطبيقية، ۸۳ (۱)، صص ۱۸۱-۲۱۳.

<https://doi.org/1022081/jf.2025.73033.2090>

□ نوع المقال: بحثي؛ الناشر: معهد العلوم والثقافة الإسلامية، أصفهان، إيران.

□ تاريخ الاستلام: ۲۰۲۵ / ۰۹ / ۳۰ □ تاريخ التعديل: ۲۰۲۵ / ۱۲ / ۱۱ □ تاريخ القبول: ۲۰۲۵ / ۱۲ / ۱۷ □ تاريخ الإصدار: ۲۰۲۶ / ۰۷ / ۱۳

فعالة في إصدار حكم عام، وأن الحل المقترح هو تحليل الموقف وتفصيل الحكم. يتوقف تحليل وضع الفاعل الأخلاقي على تقييم موقفه مع مراعاة جميع الظروف القائمة في حينها؛ فعليه، فلتحديد الظروف التي يواجه فيها الفاعل الأخلاقي (الزوج)، مثل هذا المأزق، يمكن دراسة خمسة مكونات، هي: وعي الفاعل الأخلاقي بعلاج العقم بتقنيات وأساليب الإنجاب المساعدة، وتمكُّن الفاعل الأخلاقي (الزوج)، من إقناع الزوجة الأولى من الناحية المعرفية، ووقت اختيار الزوجة الثانية، والميزات والمواصفات المهنية للزوج، والثقافة السائدة في بعض المناطق.

الكلمات المفتاحية

أخلاق الأسرة، الأخلاق التطبيقية، التعارض بين الحقوق والأخلاق، حق تعدد الزوجات، مبدأ العدل والإنصاف.



واکاوی اخلاقی ازدواج مجدد مرد در وضعیت ناباروری همسر

طاهره مهدویان^۱ حسن بوسلیکی^۲

۱- دکتری تخصصی، دانشگاه معارف اسلامی، قم، ایران. (نویسنده مسئول).

mahdavian@maaref.ac.ir

۲- استادیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

h.boosaliki@isca.ac.ir



۱۸۵



واکاوی اخلاقی ازدواج مجدد مرد در وضعیت ناباروری همسر

چکیده

حفظ سلامت فرد، اصل کرامت انسانی و اصل انصاف، از اصول اخلاقی هستند که اجرای این اصول برای زوجه‌ای که قدرت باروری ندارد، با حق تعدد زوجات که حق قانونی و حق شرعی زوج است، در تزامن است و این تراحمات بین زوجین، سلامت همه اعضای خانواده را تحت تأثیر قرار می‌دهد. پژوهش حاضر، به حل این مسئله می‌پردازد که راهکار اخلاقی تزامن بین حقوق اخلاقی زن با حق تعدد زوجات همسر چیست. در این نوشتار، به روش تحلیلی توصیفی و با هدف تحقق زیست اخلاقی در راستای استحکام بنیان خانواده، استدلال‌های موافق و مخالف حق تعدد زوجات مرد بررسی شده است. نتایج نشان می‌دهد که ادله برون‌دینی و

استناد به این مقاله: مهدویان، طاهره؛ بوسلیکی، حسن (۱۴۰۵). واکاوی اخلاقی ازدواج مجدد مرد در وضعیت ناباروری همسر. مطالعات اخلاق کاربردی، ۸۳(۱)، صص ۱۸۱-۲۱۳.

<https://doi.org/1022081/jf.2025.73033.2090>

نوع مقاله: پژوهشی؛ ناشر: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، اصفهان، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۷/۰۸ • تاریخ اصلاح: ۱۴۰۴/۰۹/۲۰ • تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۹/۲۶ • تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۵/۰۴/۲۲



© ۲۰۲۶ «نویسندگان دارنده حق مؤلف مقاله خود بدون محدودیت هستند».

درون‌دینی برای صدور حکم کلی، ناکارآمد هستند و راه‌حل پیشنهادی، تحلیل وضعیت و تفصیل حکم است. تحلیل وضعیت فاعل اخلاقی به موقعیت‌سنجی او با لحاظ کردن تمام شرایط موجود است؛ لذا برای احصای شرایطی که فاعل اخلاقی (زوج) با چنین دوراهی روبه‌روست، پنج مؤلفه را می‌توان بررسی کرد: آگاهی فاعل اخلاقی از درمان ناباروری با روش‌های کمک باروری، توانمندبودن فاعل اخلاقی (مرد) در توجیه کردن همسر اول به دلیل معرفتی، زمان انتخاب همسر دوم، ویژگی‌های شغلی مرد و فرهنگ حاکم در بعضی مناطق.

کلیدواژه‌ها

اخلاق خانواده، اخلاق کاربردی، تراحم حقوق و اخلاق، حق تعدد زوجات، اصل انصاف.



مقدمه

من و همسر (زهره) در مطب پزشک متخصص زنان منتظر عکس العمل دکتر بودیم که یک دفعه برای مرتبه پنجم، به من خطاب کرد و گفت: «متأسفانه باز هم همسرتان نمی تواند باردار شود.» اشک در چشمان هر دوی ما حلقه زد، زیرا سالهاست در انتظار فرزنددار شدن هستیم و این بار به طور قاطع، در یک دوراهی اخلاقی قرار گرفتیم که به شرح زیر است:

دوراهی موجود برای فاعل اخلاقی (مرد) از این قرار است: «از طرفی بیست سال است که آرزوی پدر شدن دارم، ولی به سبب بیماری همسر و ناسازگاری روحی او با مسئله تعدد، هر چند که به صورت شرعی و قانونی^۱ می توانم همسر دیگری اختیار کنم؛ ولی در راستای حفظ حیثیت و کرامت او، این کار را نکرده ام. اگر چند همسری من باعث ایجاد اختلالات روحی روانی در همسر اولم بشود، آیا از نظر اخلاقی منصفانه است؟ آیا تعدد زوجات، کرامت انسانی همسر اول را خدشه دار می کند؟ آیا به لحاظ اخلاقی چند همسری کار درستی است یا خیر؟».

۱۸۷



وقتی فاعل اخلاقی هم زمان با یک پدیده دوجبهی روبه رو شود که انجام یک عمل، مساوق با ترک عمل دوم است، دچار یک تحیر و سردرگمی عملی شده است که برای انجام هر کدام از آن ها، دلایل اخلاقی خودش را دارد؛ ولی نمی داند کدام عمل به لحاظ اخلاقی از اهمیت بیشتری برخوردار است؛ لذا فیلسوفان اخلاق، این وضعیت پیچیده را «تنگناهای اخلاقی» یا «تزام اخلاقی» می نامند (خزاعی، زهره و دیگران، ۱۳۸۹، ص ۹۷).

در چنین مواقعی ابتدا باید تشخیص داده شود آیا این تنگنای اخلاقی و تعارض موجود، تعارضی حقیقی است یا تعارض نماس (بوسلیکی، ۱۳۹۱، ص ۱۴۱).

۱. ماده ۱۶ قانون حمایت خانواده: «مرد نمی تواند با داشتن زن، همسر دوم اختیار کند، مگر اینکه موارد زیر را رعایت کرده باشد: ۱. رضایت همسر اول؛ ۲. عدم قدرت همسر اول به ایفای وظایف زناشویی؛ ۳. ابتلای زن به هر گونه اعتیاد مضر برابر بند ۹ ماده ۸؛ ۴. ابتلای زن به جنون یا امراض صعب العلاج موضوع بندهای ۵ و ۶ ماده ۸؛ ۵. عدم تمکین زن از شوهر؛ ۶. محکومیت زن وفق بند ۸؛ ۷. ماده ترک زندگی خانوادگی از طرف زن؛ ۸. عقیم بودن زن؛ ۹. غایب و مفقودالاثر شدن زن برابر بند ۱۴ ماده ۸».



اصل کرامت در اندیشه اسلامی، دوری از فرومایگی و حفظ حرمت و حیثیت انسانی است (دهخدا، ۱۳۷۳، ج ۱۱، ذیل واژه کرامت؛ جوادی آملی، ۱۳۶۹، ص ۲۲؛ زند، ۱۳۹۷، ص ۶۰) و در قرآن (اسراء، ۷۰) آمده که خداوند کرامت ذاتی را به انسان‌ها عطا کرده است؛ اما کانت در این موضوع، خدا را از اخلاق جدا کرده و ملاک شرافت و کرامت انسانی را به خودآیینی اراده موجود عاقل می‌داند (کانت، ۱۳۶۹، ص ۶۳).

همچنین اصل انصاف در تألیفات فقهی و حقوقی با مفهوم عدالت مترادف است و باید اذعان داشت انصاف در مفهوم خاص، مکمل عدالت است (وکیل‌زاده و دیگران، ۱۳۸۹، صص ۱۰۱، ۱۱۴) و به معنای اعطای حق نیز آمده است (زبیدی، ۱۴۱۴، ص ۵۰۰؛ ابن‌منظور، ۱۳۸۸، ص ۳۳۱). اجرای این اصول اخلاقی برای زوجی که زوجه‌اش قدرت باروری ندارد با حق شرعی و قانونی‌اش (تعدد زوجات) در تضاحم است.

در این پژوهش، ابتدا به روش تحلیلی، استدلال‌های (اخلاقی، فقهی و قانونی) موافقان و مخالفان حق تعدد زوجات در نظر اندیشمندان مسلمان و غیرمسلمان بررسی می‌شود و سپس با هدف تحقق زیست اخلاقی، با رویکرد اخلاق کاربردی اسلامی (روش ارزش‌محوری با محوریت عقل و نقل) (اسلامی، ۱۳۹۴، ص ۱۹۱) راهکارهای اخلاقی ارائه می‌گردد. در اخلاق کاربردی برای حل مسائل اخلاقی، سه روش عمده بیان شده است که عبارت‌اند از:

۱) روش قیاس‌گرایی که به نظریه‌های اخلاقی و به‌کار بستن آن‌ها در حل مسائل اخلاقی تأکید دارد؛

۲) روش استقراء‌گرایی که جزئی‌نگر و ضدنظریه‌گراست؛

۳) روش اصل‌گرایی که با نگاهی اعتدالی به کاربرد نظریه‌های مهم اخلاقی در مقام عمل و ضرب دو نگاه قبل به راه‌حلی منسجم دست می‌یابد (خزاعی، ۱۳۸۶، ص ۱۸۹؛ سلامی، ۱۳۹۴، ص ۵۶). البته هر کدام از این روش‌های رقیب، ایرادهایی^۱ دارند که در روش ارزش‌محوری رفع می‌شوند.

۱. روش قیاس‌گرایی به دلیل انتزاعی بودن و نادیده گرفتن خصوصیات موردها، با ماهیت گزاره‌های اخلاقی ناسازگاری دارد و روش استقراء‌گرایی نیز به دلیل جزئی‌گرایی افراطی، کثرت‌گرایی و نسبیت‌گرایی مردود است. روش ←



تبیین روش مختار (ارزش محوری): در روش ارزش محوری، اخلاق فضیلت اسلامی، مبنا قرار می گیرد و گفتمان اخلاقی را به جای تأکید بر اصل و الزام که از تأکید بر فعل حکایت دارد، به انگیزش و ارزش تبدیل می کند و بر فاعل تمرکز دارد؛ فاعلی که با آموزش های دینی از طریق الگوهای عملی (اخلاق فضیلت محوری) می تواند به حل تراحمات اخلاقی خود پردازد (اسلامی، ۱۳۹۴، ص ۱۹۳).

پیشینه پژوهش

کتب و مقالاتی با موضوع راه های حل تراحم بین حقوق زوجین نوشته شده است؛ اما در آن ها با رویکرد اخلاق کاربردی به حل تراحم حق اخلاقی زن با حق تعدد زوجات مرد اشاره نشده است. کتاب و مقالات زیر نمونه هایی از پیشینه عام هستند:

- «بررسی آثار جامعه شناختی تعدد زوجات سلامت زنان در خانواده» (شکریگی، عالیه و دیگران، ۱۳۹۳)؛ این مقاله به رابطه معنادار ناسازگاری بین زوجین و فرزندان اشاره دارد.

- «عدالت مداری در تعدد زوجات از منظر متون اسلامی» (محمدحسین خواجه بومی، ۱۳۹۷)؛ در این مقاله به تبیین عدالت مداری در خانواده اشاره شده است.

- «چندهمسری و پیامدهای روانی اجتماعی آن برای زنان» (دشتیان، سوده و دیگران، ۱۴۰۰)؛ این مقاله به انواع اختلالات روانی بعد از تعدد زوجات مرد اشاره دارد و در نهایت، این امر را آسیب زا می داند.

- «دیدگاه مفسران و قرآن پژوهان معاصر درباره تعدد زوجات تحلیل و مقایسه دیدگاه ها» (ترکمان پری، منظر و دیگران، ۱۴۰۱)؛ این مقاله نیز به موافقان و مخالفان تعدد

→ اصل گرایی با اینکه ایرادهای دو روش قبل را تا حدودی رفع می کند و با توازن متفکرانه میان اصل اخلاقی و اقتضائات مسئله جزئی جمع می نماید؛ اما برای تبدیل شدن به یک روش دینی و اسلامی نیاز به دو اصلاحیه دارد: اول اینکه باید به جای تأکید بر اخلاق فعل که متأثر از نظریات وظیفه گرایانه و نتیجه گرایانه است، بر اخلاق فاعل که مبتنی بر نظریه اخلاق فضیلت است، تکیه کند. دوم اینکه برای شناسایی اخلاق مشترک واقعی، به مطالعه و دقت در متون معتبر دینی پردازد.



زوجات اشاره کرده و موافقان تعدد را به حالت مشروط معرفی می‌کند که در پژوهش حاضر از نظرات آن‌ها استفاده شده است.

۱. ادله مخالفان حق تعدد زوجات مرد

باتوجه به آیه «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ» (روم، ۲۱)، در زندگی زناشویی، محور سکونت و آرامش، زوجه است (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ص ۴۹۶). خداوند گوهر وجودی زن و مرد را یکی دانسته، ولی در ایجاد آرامش، اصالت را به زن داده است؛ لذا برای اینکه زوجه بتواند آرامش بخش باشد، باید ابتدا خودش آرامش داشته باشد (جوادی آملی، ۱۳۷۵، ص ۴۶). براساس همین آیه، امام سجاد (علیه السلام) در رساله حقوق خود در رابطه با حق زوجه می‌فرماید: «وَأَمَّا حَقُّ الزَّوْجَةِ فَأَنْ تَعْلَمَ أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ جَعَلَهَا لَكَ سَكَنًا وَأُنْسًا، فَتَعْلَمَ أَنَّ ذَلِكَ نِعْمَةٌ مِنَ اللَّهِ عَلَيْكَ فَتُكْرِمُهَا وَتُرْفُقَ بِهَا، وَإِنْ كَانَ حَقُّكَ عَلَيْهَا أَوْجَبَ فَإِنَّ لَهَا عَلَيْكَ أَنْ تَرْحَمَهَا» (شیخ صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۶۲۱)؛ بنابراین، مرد باید بداند که خدا زن را مایه آرامش وی قرار داده و این امر برای او نعمتی است و باید برای برقراری آرامش زوجه، لوازم این آرامش را فراهم کند (مجلسی، ۱۳۸۴، ج ۷۳، ص ۱۵۳). فاعل اخلاقی (مرد) باید زن را که معطی آرامش است، ناآرام و دچار اختلالات روانی مانند افسردگی، پریشانی، اضطراب و اختلال جسمانی‌سازی نکند (دشتیانه و دیگران، ۱۴۰۰، صص ۴۵-۴۸)؛ لذا باید از نظر اخلاقی از حق شرعی تعدد زوجات خود بگذرد.

همچنین به استناد قاعده عقلی و حقوقی «وجوب دفع ضرر محتمل» و معنای ضرر که در این قاعده، طبق تفسیر بعضی از فقیهان شیعه، به نقص در جان، آبرو و مواردی شبیه آن‌ها تعبیر شده (غروی نائینی، ۱۳۶۵، ج ۳، ص ۲۱۴؛ سبحانی، ۱۳۹۱، ج ۳، ص ۳۹۲؛ موسوی بجنوردی، ۱۴۱۳، ج ۱، صص ۲، ۱۷۸) و نیز با توجه به معنای واژه «ضرر» در آیه



۱۷۶ آل عمران ﴿إِنَّهُمْ لَن يَضُرُّوا اللَّهَ شَيْئًا...﴾ که منظور، ضرر مالی و جانی است؛ فاعل اخلاقی (مرد) باید به حکم عقل و از نظر اخلاقی در آن شرایط، از ضرر زدن به زوجه اول پیشگیری کند و از حق تعدد زوجات خود بگذرد.

با توجه به اصل اخلاقی انصاف (مظاهری و آل اسحاق خوئینی، ۱۳۹۱، ص ۱۳۸) که بعضاً قواعد حقوقی را کنار می‌زند (مطیعی، البرزی، ۱۳۹۷، ص ۱۴۱)، در این شرایط بهتر است فاعل اخلاقی (مرد) انصاف را رعایت کند و از حق خود (تعدد زوجات) بگذرد. همچنین ممکن است قادر به اجرای عدالت بین دو همسر نباشد؛ زیرا منصف به کسی گویند که همان‌طور که خود را مستحق می‌داند، باید به دیگری هم حق بدهد (رازی، ۱۴۲۳ق، ص ۲۴۶) و حق سلامتی را از همسر اول نگیرد.

همچنین بعضی از مفسران و محققان، معتقدند تعدد زوجات نوعی حقارت را برای زن به دنبال می‌آورد و فساد آن بیشتر از مصلحت آن است و تعدد زوجات فقط برای تأمین عدالت یتیمان تشریع شده است (ترکمان و دیگران، ۱۴۰۱، صص ۵۲-۵۴).

بر اساس استدلال مبتنی بر فایده گرایی، مجموع خیرها و شرها بررسی می‌شوند تا مشخص شود جانب خیر غلبه دارد یا جانب شر و به این صورت، افعال ارزش گذاری می‌شوند (فرانکنا، ۱۳۹۲، ص ۹۵)؛ بنابراین، قیاس طبق رهیافت فایده گرایی این گونه ترسیم می‌شود:

- ۱) رساندن بیشترین منفعت به بیشترین افراد، ارزش اخلاقی دارد و خوب است.
- ۲) حفظ سلامت روحی و جسمی برای همسر اول، رساندن بیشترین منفعت به بیشترین افراد است؛ زیرا استراتژی و اصل نظر فایده گرایان این است که اگر فاعل اخلاقی مجاز به این است که در شرایطی خاص، توجه ویژه به خویشان خود داشته باشد، پس در نهایت بیشترین منفعت را برای همه خواهد داشت (اسلامی، ۱۳۹۴، ص ۶۵).
- ۳) در نهایت، حفظ سلامت جسمی و روحی برای همسر اول ارزش اخلاقی داشته و خوب است.



گذشته از استدلال فایده گرایی، کانت از منظر وظیفه گرایی با مقوله چندهمسری مبتنی بر «تمایلات نکوهیده» یا چندشوهری مخالف است و آن را خلاف کرامت انسانی می داند، زیرا او ازدواج قانونی را تبادل دو شخصیت در قالب مفهوم «عامل وحدت یافته» می داند. او چندهمسری را قبول ندارد، زیرا اتحادی بین دو شخصیت نیست، بلکه بین چند نفر است و انسانیت زن به «شیء شدگی» تبدیل شده و کرامت انسانی را خدشه دار می کند (کانت، ۱۳۹۳، ص ۲۲۸). او ازدواج قانونی و تک همسری را این گونه توصیف می کند که مرد، مالک شخصیت زن شده و در عوض زن نیز مالک شخصیت مرد می شود و گویی مالک شخصیت خود شده اند؛ اما لازمه چندهمسری آن است که زن، بخشی از مرد را به تملک خود در آورد، در صورتی که تمام وجود خود را به او تسلیم می کند. کانت این شیوه ازدواج را خارج از نظام ازدواج و سوءاستعمال جنسی می داند و آن را تحت عنوان تمایلات منحرف و خلاف اخلاق می داند (کانت، ۱۳۹۳، ص ۲۲۸). لذا براساس دیدگاه وظیفه گرایی کانت، مرد اصلاً چنین حقی را ندارد و در نتیجه، تزاممی با حق سلامت زن به وجود نمی آید.

بعضی براساس ادله مبتنی بر اصل وفاداری معتقدند که خداوند در قرآن (نساء، ۲۱) پیوند ازدواج را میثاق غلیظ می داند ﴿وَ أَخَذْنَ مِنْكُمْ مِيثَاقًا غَلِيظًا﴾ و مواثقه نیز به معنای پیمانی محکم و استوار است؛ بنابراین، یکی از راهبردهای عاطفی و اخلاقی برای توسعه اعتماد بین زوجین، محبت، صمیمیت و وفاداری زوجین به یکدیگر است که در قرآن (روم، ۲۱) به آن اشاره شده است.

رحمتی که در این آیه آمده از مصدر فعل «رَحِمَ» به معنای دل سوزی و رقت قلب است (ابن منظور، ۱۳۸۸، ج ۱۲، ص ۲۳۰) و نوعی تأثیر نفسانی که صاحب دل را وادار می کند تا طرف مقابل را از محرومیت نجات داده و نقصش را برطرف کند (طباطبائی، بی تا، ج ۱۶، ص ۲۵۰). رحمت، یک جانبه و ایثارگرانه است و در زمانی که یکی از زوجین ضعیف و ناتوان شود و قادر بر خدمتی نباشد، رحمت جای آن را می گیرد (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶،

ج ۱۶، ص ۴۱۴؛ بنابراین، فاعل اخلاقی (مرد) باید از نظر اخلاقی به همسرش که نقضی در وجودش است، رقت قلب نشان دهد و بستر اعتماد آفرینی را بین خودشان فراهم کرده و از اختیار کردن همسر دوم اجتناب کند.

بعضی دیگر بنابر دوام زوجیت در ماده ۱۱۳۰ قانون مدنی (منصور، ۱۳۸۴، ص ۱۹۲) معتقدند: «در صورتی که دوام زوجیت، موجب عسر و حرج زوجه باشد، زن می تواند به حاکم شرع مراجعه و تقاضای طلاق کند». بنابراین، طبق گفته های زنان (همسر اول یا دوم) و حتی مردانی که وارد زندگی تعددی شده اند و مشکلات خانوادگی شان دوچندان شده است، اگر زوجی اقدام به تعدد زوجات کند و سلامت زنان به سبب آن به خطر افتد (شکریگی و دیگران، ۱۳۹۳، ص ۳۹۶)، این زوج بهتر است برای پیشگیری از تحقق طلاق عسر و حرج توسط زوجه، از این حق خود (تعدد زوجات) از نظر اخلاقی بگذرد.

۲. ادله موافقان حق تعدد زوجات مرد

چند همسری سیره قطعی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام است و همچنین سیره متشرعه در همه مذاهب اسلامی درباره آن اجماع دارد (کلینی، ۱۳۸۹، ج ۵، ح ۱، ص ۳۲۰؛ طوسی، ۱۳۲۸، ج ۷، ص ۴۰۳؛ بعلاوه، در همه ادیان آسمانی پیش از اسلام امری جایز بوده (باجوری، ۱۴۰۷، ج ۱، صص ۱۴۳، ۱۴۴؛ وافی، ۱۹۹۶، ص ۵۵؛ کیسی، ۱۴۱۰، صص ۸۰، ۸۱) و در میان عرب پیش از اسلام نیز چندزنی رایج بوده است (محمود عبدالحمید، ۱۴۱۱، صص ۱۴۷-۱۴۹؛ باجوری، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۱۴) و جواز آن در شریعت اسلامی با استناد آیات (نساء، ۳؛ تحریم، ۱؛ احزاب، ۳۲، ۳۴، ۵۰، ۵۳، ۵۹، ۲۸۶) و روایات معتبر (الحر العاملی، ۱۳۷۴، ج ۲۰، ص ۵۱۷) یک حکم امضایی است (جهانیان، ۱۳۹۰، ص ۵۹).
بنابراین ارضای جنسی مرد، صرفاً در قالب الگوی تک همسری نیست، بلکه با تجویز تعدد زوجات و همچنین ازدواج موقت، دامنه گسترده تری برای او در نظر گرفته شده است که البته برای زنان این گونه نیست (یوسفی، ۱۳۹۹، ص ۳۹).





دلیل مذکور به طور کلی در مقام بیان مشروعیت ازدواج مجدد مرد است، اما از فلسفه های تعدد زوجات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به غیر از جلب حمایت قبایل و مشارکت سیاسی و ابطال عقاید جاهلی عرب، سرپرستی و تکریم زنان بیوه مهاجران و انصار بوده است (احسانی و قنبری، ۱۳۹۵).

همچنین بعضی به استناد قاعده فقهی میسور «المیسور لایترک بالمعسور» و «مالایدرک کله لایترک کله» قائل هستند که هرگاه مکلف در انجام تکلیفی مرکب دچار مشقت و سختی شد، ولی در به جا آوردن بخشی از آن تکلیف مقدور بود، در نتیجه آن تکلیف از عهده مکلف ساقط نمی شود (احسانی، ۱۴۰۵، ج ۴، ح ۲۰۵، ص ۵۸؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۰، ج ۱، ص ۵۴۷). لذا باید به اندازه وسع و توان خود طبق روایت «إِذَا أَمَرْتُكُمْ بِشَيْءٍ فَأَتُوا مِنْهُ مَا اسْتَطَعْتُمْ» (مجلسی، ۱۳۷۳، ج ۲۲، ص ۳۱) آن قشر از زنان بیوه، مطلقه و دخترانی که به مجرد قطعی رسیده اند و محتاج یاری دیگرانند را خدمات رسانی کند و آنان را فراموش نکند.

همچنین اگر فاعل اخلاقی خودگرا نباشد، تعدد پیشه می کند؛ زیرا در اصطلاح فلسفه اخلاق، خودگروی اخلاقی به کسی گویند که وظیفه اخلاقی خود را بالاترین میزان سود شخصی بداند (نیگل، ۱۳۹۲، ص ۲۵۵). اما در محضر قرآن کریم، این صفت مردود است و در قرآن (نساء، ۱۲۸) ﴿...وَالضُّلْحُ خَيْرٌ وَأُحْضِرَتِ الْأَنْفُسُ الشُّحَّ...﴾ اشاره می کند به پرهیز دادن زن و مرد از خودگرایی، بخل و منیت.

مرد برای دور شدن از این صفت طرد شده در قرآن، باید از نظر اخلاقی به آن دسته از زنان مذکور، بخل و منیت نوزد و در عوض با مهربانی، آن ها را از این مجرد قطعی نجات دهد و با همسرش صحبت کند تا در راستای پیشگیری از تحقق فسادهای اخلاقی در جامعه (توسط بعضی از همان زنان با اغواگری) رضایتش را اعلام کند.

اگر این دورا به به روش قیاس گرایی حل شود، قیاسی را که می توان از منظر سود گرایی قاعده نگر آرمانی (فراکنا، ۱۳۹۲، صص ۹۴-۹۷) شکل داد، به شرح زیر است:



۱) هر عملی که طبق قاعده (لزوم احساس مسئولیت) بیشترین خیر عمومی را در پی دارد، ارزش اخلاقی دارد و خوب است.

۲) رسیدگی به آن دسته از زنان و دخترانی که به مجرد قطعی رسیده‌اند، رساندن بیشترین خیر عمومی را در پی دارد (ازجمله: خود مرد که به آرزوی پدرشدنش می‌رسد و همچنین تمام زنان بیوه و مطلقه و دختران مجردی که هنوز طعم تأهل و مادری را نچشیده‌اند، متأهل می‌شوند).

۳) در نتیجه، رسیدگی به آن دسته از زنان، ارزش اخلاقی دارد و خوب است. همچنین محققان قرآن‌پژوه و برخی فقها (طباطبائی، ۱۹۷۴م، ج ۴، ص ۲۶۵؛ جوادی‌آملی، ۱۳۸۸، ص ۲۸۸؛ مکارم، ۱۳۸۰، ج ۳، ص ۲۵؛ مطهری، ۱۳۸۴، ص ۲۸۹؛ فضل‌الله، ج ۷، ص ۵۳، ۵۵؛ به نقل از ترکمان و دیگران، ۱۴۰۱، صص ۴۶-۵۱)، ازجمله موافقان تعدد زوجات به صورت مشروط^۱ از این مقوله دفاع کرده‌اند. در نتیجه، وقتی مردی

۱. آیت‌الله جوادی‌آملی از موافقان سنتی مشروط در حوزه تعدد زوجات در تفسیر تسنیم آورده: «برخی از نویسندگان غربی انصاف داده و اعتراف کرده‌اند که مهم‌ترین عامل اشاعه فحشا و زنا در بین ملت‌های مسیحی، تحریم تعدد زوجات به دست کلیسا بوده است.» او درباره آیه ۱۲۹ اعتقاد دارد شرط، عدالت است و رنجش ازسوی همسر اول چه بسا به دلیل حسادت زنان یا به دلیل رعایت نکردن عدالت و نپرداختن حقوق آنان است. کاظم‌زاده در تأیید نظر آملی بر این باور است که معمولاً زنانی که شوهرشان را از دست می‌دهند، به عنوان یک انتخاب برای همسر اول شدن مردی دیگر، کمتر مورد اعتنا هستند؛ در نتیجه، اگر مسئله تعدد زوجات مطرح نباشد، این زنان بیوه مجبورند تا پایان عمر تنها بمانند. آیت‌الله مکارم شیرازی از موافقان مشروط به رعایت عدالت است؛ مطهری در کتاب خود با عنوان «نظام حقوقی زن در اسلام، همچنین می‌فرماید: «در اینکه تک‌همسری بهتر است، تردیدی نیست، منظور از این دوراهی، آن نیست که بشر از میان تک‌همسری و چندهمسری کدام یک را انتخاب کند؛ مسئله این است که به واسطه فزونی نسبی تعداد زنان نیازمند به ازدواج بر مردان، تک‌همسری عملاً در خطر افتاده است. در اینجا دو راه وجود دارد: یا رسمیت یافتن تعدد زوجات یا رواج معشوقه‌بازی. مبلغان شیوه‌های غربی، مدافع معشوقه‌گری هستند؛ لذا به منظور تأمین مصالح عموم بیان شده است. وی تعدد زوجات را برای زنان بازمانده از ازدواج حق و برای مردان، تکلیف می‌داند. محمدحسین فضل‌الله از محققان معاصر موافق در حوزه تعدد زوجات است که در تفسیر خود به نام «من وحی القرآن» آورده تعدد زوجات نیاز طبیعی است که مانع از انحراف می‌شود. وی طبق آیه ۱۲۹ سوره نساء تعدد زوجات را به نفع زنان می‌داند؛ چراکه با توجه به فزونی جمعیت دختران، تک‌همسری، ازدواج نکردن بسیاری از دختران را به همراه دارد و در این زمینه با علامه طباطبایی هم عقیده است. به نظر ایشان با وجود تمکن مالی و رعایت عدالت، هیچ مانعی برای تعدد زوجات وجود ندارد.



در طول بیست سال زندگی زناشویی، مکرراً با ناباروری همسرش روبه‌روست، به‌طور طبیعی به علت عدم موفقیت در فرزنددارشدن، دچار سردی رابطه و عدم رضایت‌مندی جنسی می‌شود (محمدی، ۱۳۸۰، ص ۳۳؛ عبداللّهی، ۱۴۰۰، ص ۱۳)؛ لذا از نظر اخلاقی بهتر است برای فرزنددارشدن با رعایت عدالت، ازدواج مجدد کند.

۳. راهکارهای حل تعارض به روش اخلاق کاربردی

در اخلاق کاربردی برای حل مسائل اخلاقی سه روش عمده (قیاس‌گرایی، استقراء‌گرایی و اصل‌گرایی) بیان شده است (خزاعی، ۱۳۸۶، ص ۱۸۹؛ اسلامی، ۱۳۹۴، ص ۵۶). البته در مقدمه به نقدهای هر سه روش اشاره شد که روش مختار، حل تزامم به روش ارزش‌محوری است.

۳.۱. حل تعارض به روش قیاس‌گرایی

برای حل این تعارض قیاس‌هایی در ذیل ادله موافق و مخالف در صفحات قبل (۴ و ۵ و ۷) از منظر رهیافت پیامد‌گرایی و وظیفه‌گرایی آمده که نمایانگر تصمیمات اخلاقی متضادی بودند و این خود نقدی بر روش قیاس‌گرایی است.

فاعل اخلاقی (مرد) نمی‌داند طبق نظریه فایده‌گرایی عمل کند و بیشترین منفعت را به جامعه زنان برساند یا اینکه همسر اول طبق نظریه فایده‌گرایی عمل‌نگر خود‌گرا عمل کند و به دنبال ایجاد آرامش برای خود باشد.

در واقع قانون طلایی کانت و احترام اصیل به فاعلیت فاعل اخلاقی، چگونه توازن را میان ملاحظات اخلاقی متعارض، ایجاد می‌کند؟

البته کاربست و شناخت نظریه‌های اخلاقی، ابزار مناسبی است تا به واسطه آن، برخی از نظریه‌های اخلاقی را که به غلط و بدون پایگاه نظری در جامعه رواج دارند، نقد کنند و در روند تصمیم‌گیری‌های اخلاقی، محتاطانه‌تر برخورد شود (خزاعی، ۱۳۸۶، ص ۱۹۸).

با توجه به آنچه بیان شد، اولاً کلان نظریه‌ها حتی در مواردی هم که به نتایج یکسانی نمی‌رسند، ولی اندیشه اخلاقی بشر را در راستای رسیدن به نظریه‌ای متأملانه‌تر مدد می‌رسانند؛ ثانیاً این نظریه‌ها در بالاترین سطح خود، فقط می‌توانند نگاهی کلی به مسائل اخلاقی داشته باشند، نه جزئی. همچنین فاعل اخلاقی در این تعارض و دورا، همچنان با روش مذکور نمی‌تواند به تصمیمی جامع برسد، لذا به یک موقعیت‌سنجی مبتنی بر عقل و شرع نیاز است که در انتها به آن اشاره خواهد شد.

۳.۲. حل تعارض به روش استقراء‌گرایی

در روش استقراء‌گرایی در مقام استدلال اخلاقی، نمونه‌های عملی به سمت وضعیت‌های کلی پیش می‌روند. این روش دارای انواع متعددی به نام «موردکاوی»، رویکردهای حکایتی و داستانی است (اسلامی، ۱۳۹۴، ص ۵۶).

۱۹۷



۳.۲.۱. روش موردکاوی

یکی از جامع‌ترین روش‌ها در استقراء‌گرایی، موردکاوی یا مطالعه اوضاع و احوال خاص است و راه حل یک قضیه غامض اخلاقی توسط موردکاو به مقایسه مورد‌های نمونه‌ای مشابه است؛ زیرا ما را به یقین اخلاقی نزدیک می‌کند.

برای موردکاوی سه گام ضرورت دارد و بایستی آن علائم، تصورات و انتخاب‌های فاعل اخلاقی، ویژگی‌های زمینه‌ای و متنی و وضعیت‌های جسمی، ذهنی، عاطفی و اجتماعی فاعل اخلاقی را در نظر بگیرد. بعد از آن به تفسیر پندواره‌هایی پردازد که همان آرای محموده هستند و با مسئله اخلاقی ما پیوند می‌خورند و در نهایت، به تحلیل آن مسئله پردازد (اسلامی، ۱۳۹۷، ص ۹۷).

تعیین دقیق محل نزاع و موضوع تعارض ذکر شده، بدون کمک گرفتن از اصول و نظریه‌ها به قرار زیر است:



- آیا فاعل اخلاقی (مرد) برای ورود به عرصه تعدد زوجات، به لحاظ اخلاقی و تمکن مالی، به تأیید دادگاه خانواده می‌رسد یا خیر؟

- آیا فاعل اخلاقی (زن) به لحاظ جسمی، ذهنی، عاطفی و اجتماعی آمادگی لازم را برای ورود همسر دوم به زندگی خصوصی‌اش دارد؟ یا به سبب بیماری‌ای که دارد، آمادگی لازم را ندارد و در نتیجه، حال روحی و جسمی او بدتر می‌شود؟

- اگر به سبب حساس بودن روحیه تمام زنان و همچنین حساس بودن روحیه همسر اول، آن دسته از زنان و دخترانی که به زیست مجرد قطعی رسیده‌اند، رها شوند و به بیراهه و فساد اخلاقی کشیده بشوند و به تبع آن، جامعه را به انواع انحرافات اخلاقی و مشکلات عدیده سوق دهند، آن وقت وظیفه اخلاقی ما در این مرحله و مرحله قبل چیست؟

- به طور قطع اگر فاعل اخلاقی (زن)، رضایت به تعدد زوجات همسرش بدهد و نیاز جامعه به چنین اجازه‌ای بسیار باشد، بایستی در عوض، بقیه افراد جامعه، همسر اول یا همسر دوم را با توهین‌های مختلف سرزنش نکنند و بعلاوه، آن‌ها را حمایت مالی و عاطفی کنند؛ اما باز هم جای این سؤال باقیست که آیا خود جامعه زنان تحمل چنین رویدادی را دارند؟

- شاید فاعل اخلاقی (مرد) کیفیت زندگی اول و حفظ سلامت همسر اولش را در اولویت قرار دهد؛ آیا در واقع، اخلاقی‌ترین کار این است که همسر اول را به آن دسته از زنان ترجیح دهد؟ یا اینکه اخلاقی‌ترین کار این است که آن دسته از زنان را به همسر اول ترجیح دهد؟

- اگر فاعل اخلاقی (مرد) پندواره و وجوب حفظ سلامت جسمی و روحی آن دسته از زنان را با مسئله خود (وجوب حفظ سلامت همسر اولش و آرزوی پدرشدن) پیوند دهد، حکم اخلاقی چیست؟

پاسخ به این پرسش‌ها وقتی ممکن خواهد بود که ویژگی‌های این مورد به تفصیل بررسی شوند. در این بررسی به اطلاعاتی کاملاً جزئی از وضعیت و شرایط زندگی فاعل اخلاقی (زوجه اول)، پیشینه اخلاقی زوج و شأنیت جسمی و روان‌شناختی او، سیاست‌های قانونی و حقوقی قانون تعدد زوجات و خصوصیات رفتاری همسر دوم نیاز است.

شاید بعد از بررسی های لازم، فهمیده شود که وضعیت جسمی و روحی همسر اول، خیلی وخیم و حساس نبوده و فاعل اخلاقی (مرد) می تواند به روش های مختلف، فرزنددار شود و زندگی اولش را نیز دچار تشنج نکند؛ بنابراین، مورد کاو باید با ذهنی خالی و بدون سوگیری و با خرد عملی به تحلیل استدلال ها پردازد و ارزش نهایی را تعیین کند.

به این روش هم نقدهایی وارد است که نشان می دهد مورد کاو در تعارض مذکور (تعارض فاعل اخلاقی بین حفظ سلامت جسمی و روحی همسر اول یا اختیار کردن همسر دوم برای فرزنددار شدن) به نوعی بینش اخلاقی مبنايي (اصل یا نظریه اخلاقی) نیازمند است تا به قضاوت خود جهت بدهد؛ و گرنه به جایگزینی در ک های متنوع داوران اخلاقی به جای استدلال های معقول منجر می شود.

۳.۲.۲. روش اخلاق حکایتی و داستانی

طرف داران این روش معتقدند حکایت ها و داستان ها در بحث های اخلاقی، کارکردهای گوناگونی دارند و بی توجهی نظریه پردازان به داستان ها باعث شده تا نتوانند اصول اخلاقی خود را عاقلانه به کار بندند. همچنین ادعا می کنند که داستان، نقشی ویژه در ترغیب اخلاقی دارد، در صورتی که توسل به اصول و نظریه، فاعل اخلاقی را به پذیرش ذهنی وامی دارد، بدون آنکه تأثیر بالفعلی در رفتار او بگذارد. خطری که طرف داران اخلاق داستانی را تهدید می کند، این است که در دام تخیل در ادبیات داستانی بیفتند و اینکه کدام داستان، ارزش تبعیت یا اعراض را دارد؟ کدام داستان و حکایت ارزش مبنايي برای یک سیاست را دارد؟

برای مثال، اگر فاعل اخلاقی (مرد) در تعارض مذکور دو حکایت تقریباً مشابه برای قضاوت داشته باشد؛ یک: همکار او (A) که همسرش نازا بوده و خودش آرزوی پدر شدن داشته، چنین چالشی را تجربه کرده است، اما در نهایت، حفظ سلامت همسر اولش را ترجیح داده است؛ زیرا می دانسته که باز شدن پای همسر دوم به زندگی همسر اولش،





مشکلات عدیده‌ای به بار می‌آورد که هر روز باید آرزوی مرگ کند تا آرزوی پدرشدن. دو: برای همکار دیگرش (B) چنین چالشی اتفاق افتاده است، ولی همسر دوم را اختیار کرده و اکنون پدر شده و در فکر اختیار کردن همسر سوم است. اکنون کدام حکایت ارزش‌مبنایی دارد؟ اینجاست که به نقص رویکرد اخلاق‌داستانی پی می‌بریم. باتوجه به آنچه در روش استقراء‌گرایی و انواع آن بیان شد، فاعل اخلاقی توسط روش پایین به بالا نیز در حل تعارض، ناکام می‌ماند، زیرا منتهی به نسبی‌گرایی و افتادن در دام تخیل می‌شود؛ لذا این روش به تنهایی کافی نیست.

۳.۳. حل تعارض به روش اصل‌محوری اخلاقی

بدیهی است روش اصل‌محوری غیر از روش قیاس‌گرایی (نظریه‌محور) و استقراء‌گرایی (ضدنظریه‌محور) است. بسیاری از عالمان اخلاق کاربردی به دلیل محدودیت‌هایی که در دو روش قبل وجود دارد، به رویکرد «اصل‌گرایی اخلاقی» گرویده‌اند. یکی از مؤثرترین رویکردها در اصل‌گرایی^۱، دیدگاه بیشامپ و چیلدرس است که به تطبیق اصول عام بر موارد خاص اشاره دارد (اسلامی، ۱۳۹۴، ص ۱۴۱) و اصول عام ممکن است در مواجهه با مسئله اخلاقی، با یکدیگر متعارض شوند که ریچاردسون^۲ برای بیرون‌رفت از این دسته از تعارضات سه راه عمده را معرفی می‌کند:

راه اول: کاربرست قیاسی اصول و قواعد. البته این راه، در تشخیص تکلیف اخلاقی کمک زیادی به ما نمی‌کند، زیرا بعضاً استنتاج عقلی در موردهای جزئی، هم‌جهت با اصول عام نیستند، بلکه ممکن است در دو جهت مخالف قرار گیرند. راه دوم: تقید و تعیین از طریق محدود کردن دامنه‌های اخلاقی با روش استنتاجی (کجا؟ برای چه؟ به چه کسی؟ چگونه؟ و توسط چه کسی؟ (اسلامی، ۱۳۹۴، ص ۱۴۲).

1. Principlism.
2. Richardson.



راه سوم: تعادل و توازن^۱ است؛ یعنی همان تلاش برای متوازن‌سازی هنجارهای اخلاقی که لازمه‌اش شناخت وزن و مقدار هنجارهای اخلاقی است (اسلامی، ۱۳۹۴، ص ۱۴۳).

به روش تقیید اصول با روش استنتاجی: از فاعل اخلاقی (مرد) استنتاج می‌شود اگر خواستید طبق وظیفه (اصل نیکوکاری) در حق آن دسته از زنان، خدماتی را انجام دهید و آنان را به حق طبیعی تأهل و مادرشدن برسانید، آیا می‌توانید آسیبی به همسر اول (طبق اصل ضرر نرساندن) نزنید یا خیر؟ یا این‌گونه استنتاج شود که رعایت اصل نیکوکاری به آن دسته از زنان، دارای اولویت است یا به همسر اول؟

در روش سوم نیز فاعل اخلاقی باید تشخیص دهد که قدرت و وزن کدام‌یک از هنجارهای اخلاقی بیشتر است و برای ترک یکی از اصول، دلیل موجهی داشته باشد، زیرا اصول، تجویزی هستند، نه توضیحی (اسلامی، ۱۳۹۴، ص ۱۴۵). حال اصل نیکوکاری به آن دسته از زنان بیشتر است یا وزن ضرر نرساندن به همسر اول؟ آیا می‌تواند با روش توازن متفکرانه، حکم اخلاقی خود را تعیین کند؟ یا اگر فاعل اخلاقی (مرد) آن دسته از زنان را به حال خود رها کند و در صورت آلوده شدن آنان به گناه و روابط فرازنایشویی (ر.ب: تاج‌بخش، ۱۴۰۰، صص ۵۹۵-۶۱۴)، وزن خسارت و زیان برای جامعه زنان بیشتر است یا وزن حفظ سلامت همسر اول؟

با توجه به اینکه هیچ شیوه استاندارد برای اعتباربخشی به داوری‌ها وجود ندارد و در توجیه مبنای خود (شکوفایی زندگی انسان) ضعیف عمل کرده و مقصود از شکوفایی و چگونه شکوفاشدن را نگفته، فاعل اخلاقی نیز نمی‌تواند با روش اصل محوری به حکم اخلاقی صحیح یا وظیفه اخلاقی خود دست یابد.

۱. توازن متفکرانه: عملیات رفت‌وبرگشت ذهنی میان داوری‌های ما در مصادیق خاص و اصول حاکم بر آن و ملاحظات نظری مؤثر بر اصول.



۴.۳. حل تعارض در نظام اخلاقی اسلام

ناسازگاری‌ها بین نظریه‌های اخلاقی (غیر از نظام اخلاقی اسلام) باعث شده است تا طرف‌داران جدی‌ای را از دست بدهند (اسلامی، ۱۳۹۴، ص ۱۸۳؛ هولمز، ۱۳۸۵، صص ۴۹، ۴۴۲)؛ زیرا عده‌ای به دنبال اصول مبنایی هستند (اصل‌گرایی) و برخی دیگر، از این توصیه‌ها برای فرایند اخلاقی‌سازی افراد و جامعه استفاده می‌کنند (فضیلت‌گرایی). برخی دیدگاه‌ها، این نظریه را قبول ندارند و در واقع، برای آن‌ها چیزی به عنوان «نظریه اخلاقی» وجود ندارد (جزئی‌نگر). برخی، درست‌بودن فعل را بر مبنای وظیفه می‌دانند (وظیفه‌گرایی). در مقابل، برخی معتقدند حتی بعد از تبیین همه نظریه‌ها و استدلال‌های آن‌ها و برطرف کردن خلط‌های منطقی بین آن‌ها، باز هم نمی‌توان اختلاف‌هایی را که در نگرش‌های اخلاقی وجود دارد، برطرف کرد (نیلسن، ۱۳۸۷، ص ۳۴).

در واقع این استدلال‌های مبتنی بر سود، وظیفه و فضیلت، شروط لازم برای تصمیم‌گیری اخلاقی هستند؛ ولی شروط کافی نیستند (اسلامی، ۱۳۹۳، صص ۱۰-۱۱) و فاعل اخلاقی برای تحقق عمل اخلاقی صحیح باید بصیرت اخلاقی نیز داشته باشد (مک‌ناوتن، ۱۳۸۰، ص ۳۲۰) که این بصیرت را می‌توان در نظام اخلاقی اسلام پیدا کرد؛ زیرا در اخلاق کاربردی اسلامی، عقل (اسلامی، ۱۳۹۴، ص ۱۹۲) و نقل (کتاب و سنت) به عنوان منابع معرفت اخلاقی محسوب می‌شوند. همچنین توجیه گزاره‌های اخلاقی در تفکر اخلاقی اسلامی، با کمک عقل و روش الگوبرداری از قصص قرآنی است و با مبنا قراردادن فضیلت، گفتمان اخلاقی را از اصل محوری به ارزش محوری سوق می‌دهد (اسلامی، ۱۳۹۴، ص ۱۹۲)؛ بنابراین، در کنار تعادل متأملانه (توازن میان اصل اخلاقی و اقتضائات مسئله جزئی) با تمرکز بر فاعل و دقت بر احکام مسلم شرعی در موارد مشابه، به وظیفه اخلاقی خود دست می‌یابیم.

فاعل اخلاقی باید بررسی کند که آیا طبق قاعده عقلی «الْجَمْعُ مَهْمَا امْکَنَ اَوَّلَى مِنْ الطَّرْحِ» (انصاری، ۱۴۲۲ق، ج ۴، ص ۱۹) امکان جمع هر دو کار یا امکان ترجیح دادن یکی

از طرفین تعارض را دارد؟ اگر یکی از این دو راه را ترجیح داد، تعارض حل می‌شود. در واقع، اگر امکان جمع هر دو باشد، اصلاً تعارضی در کار نیست و اگر امکان ترجیح یکی از طرفین باشد، تعارض ذکر شده از نوع تعارض ناپایدار (حداقلی) است؛ ولی اگر نتوانست هر دو کار را جمع کند یا نتوانست یکی از طرفین تعارض را ترجیح دهد، در این صورت، تعارض، از نوع تعارض پایدار (حداکثری) است (بوسلیکی، ۱۳۹۱، ص ۴۹).

اگر فاعل اخلاقی امکان جمع هر دو طرف را دارد، پس تعدد پیشه کند و اگر امکان جمع هر دو طرف را ندارد، باید برای حل تراحم هنگام ترجیح، با شناخت به شاخصه‌های تقدیم اهم بر مهم (اتکینسون، ۱۳۶۹، صص ۳۸-۴۴؛ رضوانی، ۱۳۹۲، ص ۱۷)، یکی از طرفین تعارض را طبق قاعده «اهم و مهم» که از مستقلات عقلی است، ترجیح دهد (رضوانی، ۱۳۹۲، ص ۱۱)؛ یعنی اهم را اخذ کرده و مهم را ترک کند (علیدوست، ۱۳۸۸، ص ۲۱).

۲۰۳



اگر بخواهد مصالح را طبق ترتیب ضروری (مصالحی که بدون آن‌ها در مقاصد پنج گانه شارع، مانند حفظ جان، مال، ناموس، نسل و دین، اختلال به وجود آید)، حاجی (مصالحی که برای رفع نیاز لازم هستند و بدون آن‌ها در مقاصد پنج گانه شارع اختلالی به وجود نمی‌آید) و تحسینی (مصالحی که سبب بهتر شدن زندگی می‌شود) (غزالی، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۲۸۷) درجه‌بندی کند، باید ببیند کدام طرف تعارض ضرورت دارد؛ لذا اگر حفظ سلامت همسر اول (ناموس) ضرورت دارد، پس تعدد زوجات را رها کند، اما اگر هیچ کدام از طرفین تعارض، ضرورتی ندارند، مانند زمانی که سلامت همسر اول در امنیت است و مصلحت یکی از طرفین تعارض برای رفع نیاز مرد و لازم است، پس تعدد پیشه کند، البته مطابق با فرهنگ قرآنی و قاعده اخلاقی «معاشرت به معروف با زنان» (بقره، ۲۲۸، ۲۲۹، ۲۳۱، ۲۳۳؛ نساء، ۱۹، ۲۵؛ طلاق، ۱).

اگر مرجحی برای فاعل اخلاقی یافت نمی‌شود، باید طبق قاعده «تقدیم امر محتمل‌الاهمیه» (مجلسی، ۱۳۷۳، ج ۷۵، ح ۵۸، ص ۶؛ رضوانی، ۱۳۹۲، ص ۱۷) با کمک



عقل عملی، موقعیت‌ها را بسنجد و تشخیص دهد که کدام یک را از نظر اخلاقی انجام دهد که این عقلانیت عملی متکی به عقلانیت نظری واقع‌گراست و اختلاف در تشخیص مصادیق فعل‌آهم ناشی از اختلاف در جهان‌بینی و ایدئولوژی است (رضوانی، ۱۳۹۲، ص ۱۱)؛ لذا در اخلاق کاربردی اسلام، عقل و نقل به کمک همدیگر به حل تعارض می‌پردازند.

۳.۵. موقعیت‌سنجی فاعل اخلاقی

موقعیت‌سنجی فاعل اخلاقی با تمام شرایط موجود، همان عقلانیت عملی (اکبری، ۱۳۸۶، ص ۹۱) است که مبتنی بر عقلانیت نظری است؛ زیرا هر وضعیت، به صورت یک امر منفرد و هر شخص دارای ویژگی‌های خاص معرفتی است که امکان ارائه راه‌حل کلی وجود ندارد.

البته تفاوت آن با اخلاق وضعیت که در مورد کاوی رد شد، این است که در این روش ارزش‌محوری (اخلاق فضیلت‌گرای اسلامی) به منش فاعل اخلاقی هم توجه می‌شود؛ لذا برای احصای شرایطی که فاعل اخلاقی با تراحم حفظ سلامت جسمی و روحی همسر اول یا اختیار کردن همسر دوم روبه‌رو می‌شود، می‌توان به پنج مؤلفه توجه و آن‌ها را بررسی کرد که همان اصل‌گرایی به همراه تقیید اصول است، ولی با عنایت به چگونه شکوفاشدن زندگی فاعل و تحقق عینی زیست اخلاقی او و همچنین بر مبنای الگو و شیوه «تحلیل موقعیتی»^۱ است. مؤلفه‌ها عبارت‌اند از:

۱. آگاهی فاعل اخلاقی/ از شیوه‌های درمان ناباروری (ART، IUI، IVF، ICSI، ZIFT و GIFT): یا فاعل اخلاقی از تمام شیوه‌های درمان ناباروری آگاهی دارد و همه را بررسی کرده یا آگاهی ندارد.

۱. این روش در حوزه علوم اجتماعی و انسانی استفاده می‌شود و عینی و متعلق به حیطه عمومی است. دو اصل توصیف موقعیت و عقلانیت، این روش را عینی کرده است (انصاری‌زاده؛ فضل‌الهی، ۱۳۹۹، صص ۱۱۲، ۱۱۴).



۲. توانمندبودن فاعل اخلاقی در بالابردن آستانه تحمل همسر اول و همچنین بالابردن سطح معرفت زنان جامعه درباره مفیدبودن مقوله تعدد زوجات: فاعل اخلاقی همه راه‌های درمان ناباروری را روی همسرش امتحان کرده و به نتیجه‌ای نرسیده است. اکنون او برای چندهمسری یا توانمند است (به لحاظ مهارتی و معرفتی) که هنگام بروز هرگونه تعارض و دوراهه‌های معرفتی، همسر اول را متقاعد کند و تعارض را حل کند یا توانمند نیست و چنین هنری را ندارد.

۳. زمان/انتخاب همسر دوم: گاهی مرد برای اختیار کردن همسر دوم، بسیار فرصت دارد و هنوز در ابتدای زندگی زناشویی است یا اینکه فرصت زیادی ندارد و نزدیک به سن کهولت است (خمرنیا و دیگران، ۱۳۹۶، ص ۵۷).

۴. ویژگی‌های شغلی فاعل اخلاقی: گاهی شغل مرد به گونه‌ای است که خارج از محل زندگی او و همسر اولش است و امکان اختیار کردن همسر دوم را دارد، بدون اینکه همسر اول متوجه شود و حال جسمی و روحی او بدتر شود، زیرا بعضی از بانوان مشکلی با تعدد زوجات همسرشان ندارند، ولی به صراحت بیان می‌کنند که فقط به صورت مخفیانه باشد و او متوجه نشود.

۵. فرهنگ حاکم در مناطق: در برخی مناطق، این فرهنگ ریشه در علل اقتصادی، سنتی و افزایش آمار دختران آماده به ازدواج نسبت به پسران آماده به ازدواج دارد (جاوید، ۱۳۸۹، ص ۵۹) و در استان‌های خاصی مانند کرمان، سیستان و بلوچستان، گلستان، کردستان و خراسان جنوبی مشاهده می‌شود. براساس آمار رسمی سال ۱۴۰۱، حدود ۱/۵ درصد از ازدواج‌های ثبت شده در کشور شامل چندهمسری است که تقریباً معادل سیصد هزار مرد ایرانی است.

با ترکیب این موارد پنج گانه، وضعیت‌های مختلفی پیش می‌آید که باید برای هر کدام جداگانه راهکاری ارائه شود:

الف) با توجه به شرایط گفته شده در حالت تطبیق مؤلفه اول و دوم و سوم و پنجم:



حالت اول: اگر فاعل اخلاقی به شیوه‌های درمان ناباروری آگاهی نداشته و ندارد که در این صورت، تعارضی در میان نیست، زیرا با پرس و جو و معاینه پزشکان متخصص مسئله حل می‌شود.

حالت دوم: فاعل اخلاقی به همه شیوه‌های درمان ناباروری آگاهی دارد و همه را امتحان کرده است، ولی به نتیجه‌ای نرسیده که اکنون دو حالت دارد؛ یا مدت زیادی از شروع زندگی مشترکشان نمی‌گذرد و همچنان فرصت زیادی برای پدرشدن دارد؛ پس می‌تواند به شفای همسرش یا راه‌های درمانی جدید در سال‌های آتی امیدوار باشد یا اینکه مدت زیادی است که با این مسئله دست و پنجه نرم می‌کند و نزدیک رسیدن به سن کهولت است که در این حالت، باید برای پدرشدن، سریع اقدام کند؛ زیرا هم توانایی پدرشدن با افزایش سن پدر کاهش می‌یابد و هم به دلیل عقیم‌بودن همسر اول، مرد حق قانونی (ماده ۱۶ حمایت از خانواده، مصوب ۱۳۵۳) و شرعی (نساء، ۳) را برای تعدد زوجات دارد که در این صورت باز دو حالت دارد:

۱. در منطقه‌ای زندگی می‌کند که مسئله تعدد زوجات جزء فرهنگ آنجاست؛ در این صورت، باید بررسی کند که سلامت همسرش در خطر است یا خیر. اگر در خطر است، طبق شاخصه‌های اهم و مهم باید تعدد را رها کند. اگر روحیه همسر اول با تعدد سازگار نیست، ولی می‌تواند به سبب معرفتی و اخلاقی او را متقاعد کند که در این صورت، بعضی از بانوان اظهار می‌دارند که هر وقت شوهر اراده به تعدد زوجات کرد، رضایت دارند، ولی به گونه‌ای که او را خبردار نکند و مخفیانه ادامه دهد. در این صورت، مرد می‌تواند تعدد پیشه کند، آن‌هم با شرط رعایت عدالت و قاعده «وعاشروهنّ بالمعروف». اما اگر مرد به سبب معرفتی و اخلاقی نمی‌تواند زوجه را راضی کند، پس باز هم تعدد را رها کند، زیرا در فرض مسئله پژوهش، همسر اول بیمار است و شاید سلامت او را به خطر اندازد.

۲. اگر در منطقه‌ای زندگی می‌کند که چندهمسری با فرهنگ آنجا سازگاری ندارد، مرد می‌تواند زوجه را به سبب معرفتی و اخلاقی راضی کند یا نمی‌تواند. اگر می‌تواند، پس



با رعایت عدالت و قاعده «وعاشروهنّ بالمعروف» تعدد پیشه کند و اگر نمی‌تواند راضی کند، پس تعدد را رها کند.

ب) با توجه به شرایط در حالت مؤلفه دوم (اشاره به یک راهکاری غیر از راهکار اول (امیدواری به شفای همسر)):

فاعل اخلاقی (مرد) در ابتدای زندگی مشترکشان است و فرصت زیادی برای تبیین تعدد زوجات برای همسر اول دارد، زیرا به دلیل نازایی زن، به طور قانونی و شرعی حق تعدد زوجات را دارد، اما نمی‌داند از نظر اخلاقی چگونه عمل کند تا خلاف قاعده اخلاقی «عاشروهنّ بالمعروف» نشود و مشکلاتی را برای جسم و روح او رقم نزند. از طرفی خودش نیز باید در تحصیل ملکه عدالت درباره همسران تلاش کند، زیرا لازمه تعدد پیشه کردن، عدالت (نساء، ۳، ۱۲۹) است. بنابراین، باز هم دو حالت پیش می‌آید: توان و مهارت بالابردن سطح معرفت همسر اول را دارد (درباره مقوله تعدد زوجات) یا چنین هنری را ندارد که اگر ندارد باید برای کسب مهارت‌های اخلاقی درباره متقاعد کردن همسرش بکوشد و مراحل را طی کند. در واقع، مرد می‌تواند با شناخت ویژگی‌های شخصیتی، آرزوها و ترس‌ها، گره‌های شناختی، تله‌های روانی و حتی شناخت اختلالات روان‌شناختی همسرش، تعارضات شکل گرفته را حل و فصل کند.

ج) با توجه به شرایط در حالت مؤلفه چهارم:

اگر فاعل اخلاقی مشغول به حرفه‌ای است که غالباً در شهر متعلق به همسر اول حضور ندارد، یا همسر بیمارش روحیه‌ای سازگار با مسئله تعدد ندارد، ولی به تعدد زوجات همسرش به شرط خبردار نشدنش رضایت داده است، پس با رعایت عدالت و قاعده «عاشروهنّ بالمعروف» تعدد پیشه کند. اما اگر همسر بیمارش رضایت به این کار نداده است، در نتیجه طبق قاعده «أهم و مهم» تعدد را رها کند، زیرا باید سلامت همسر اول را در اولویت قرار دهد.

نتیجه‌گیری

با توجه به آنچه بیان شد برای تحقق زیست اخلاقی زمانی که فاعل اخلاقی (مرد) در دو راهه بین حفظ سلامت همسر اول و ازدواج مجدد خود، در زمان ناباروری همسر اول قرار گرفت، باید با اشراف به شاخصه‌های تقدیم اهم بر مهم، به روش ارزش‌محوری (فضیلت‌گرای اسلامی) همه شرایط موجود را اعم از وضعیت جسمانی همسر اول، وضعیت روحی و خلقی همسر اول، توانمند بودن در تبیین تعدد زوجات و در متقاعد کردن همسر اول و دوم، شرایط شغلی مرد، زمان تعدد پیشه کردن و فرهنگ حاکم بر آن منطقه بررسی کند تا به یک حکم اخلاقی هم‌سو با نظام اخلاقی اسلام دست یابد. ادله برون‌دینی و درون‌دینی به سبب صدور حکم کلی، ناکارآمد هستند و راه‌حل پیشنهادی، همان تحلیل وضعیت و تفصیل حکم است.



فهرست منابع

* قرآن کریم

* نهج البلاغه

ابن منظور، جمال الدین محمد بن مکرم. (۱۳۸۸ ق). *لسان العرب*. بیروت: دار صادر.
اتکینسون. آر. اف. (۱۳۶۹). *درآمدی به فلسفه اخلاق* (مترجم: سهراب علوی نیا). تهران: هرمس.

احسانی، ابی جمهور. (۱۴۰۵ ق). *عوالی الثالی* (محقق: مجتبی عراقی). قم: نشر سید الشهداء.
احسانی، کیوان؛ قنبری، ماندانا. (۱۳۹۵). *مستشرقان و تعدد زوجات پیامبر اکرم ﷺ*.
کنفرانس بین المللی شرق شناسی، تاریخ و ادبیات پارسی.

اسلامی، محمد تقی. (۱۳۹۴). *روش شناسی پژوهش در اخلاق کاربردی با تأکید بر*
مورد پژوهی های اخلاق زیستی، نقد و بررسی و ارائه الگوی اسلامی. (استاد راهنما: احد
فرامرز قراملکی). رساله دکتری رشته اخلاق اسلامی. قم: دانشگاه معارف اسلامی.

اسلامی، محمد تقی. (۱۳۹۷). *روش شناسی مورد کاوانه در اخلاق کاربردی. پژوهش های*
فلسفی کلامی، (۱)، پیاپی ۷۵، صص ۹۳-۱۱۲.

اکبری، رضا. (خرداد ۱۳۸۶). *حل تعارضات اخلاقی بر پایه اخلاق فضیلت. پژوهش های*
فلسفی کلامی دانشگاه قم، ۱ (۳۴)، صص ۸۵-۱۰۰.

انصاری، مرتضی. (۱۴۲۲ ق). *فرائد الاصول*. قم: مجمع الفکر الاسلامی.
انصاری زاده، فهیمه؛ فضل الهی، سیف اله. (۱۳۹۹). *واکاوی پژوهش «تحلیل موقعیتی» عیار*
پژوهش علوم انسانی، (۲)، پیاپی ۲۲، صص ۹۹-۱۱۶.

باجوری، جمال محمد فقی رسول. (۱۴۰۷ ق). *المرأة فی الفکر الاسلامی*. کردستان: ناشر
مؤلف.

بوسلیکی، حسن. (۱۳۹۱). *تعارض اخلاقی و دانش اصول فقه؛ بازخوانی ظرفیت های اصول*
فقه در حل تعارضات اخلاقی. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.





ترکمان پری، منظر؛ پارسا، فروغ؛ عباسی، مهرداد؛ سرشار، مژگان. (۱۴۰۱). دیدگاه مفسران و قرآن پژوهان معاصر درباره تعداد زوجات: تحلیل و مقایسه دیدگاه‌ها. زن و مطالعات خانوادگی، (۵۸)، صص ۴۱-۵۰.

کانت، ایمانوئل. (۱۳۹۳). درس‌های فلسفه اخلاق (مترجم: منوچهر صانعی دره‌بیدی). تهران: انتشارات نقش و نگار.

جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۷۵). زن در آئینه جمال و جلال. قم: اسراء.

جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۸). تفسیر تسنیم. قم: اسراء.

جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۶۹). کرامت در قرآن (چاپ سوم). تهران: رجاء.

جهانیان، لیلی. (۱۳۹۰). بررسی حقوق و روابط غیرمالی زوجین، با تکیه بر آراء امام خمینی علیه السلام. تهران: پژوهشکده امام خمینی علیه السلام.

خزاعی، زهرا. (۱۳۸۶). اخلاق کاربردی: ماهیت، روش‌ها و چالش‌ها. دانشگاه قم، (۱)، صص ۱۷۵-۲۷۴.

خمرنیا، محمد؛ مرادی، سودابه؛ عباسی، شقایق؛ انصاری مقدم، علیرضا؛ ستوده‌زاده، فاطمه. (۱۳۹۶). بررسی رابطه سن پدر با پیامدهای باروری: مطالعه مقطعی در دانشگاه علوم پزشکی زاهدان. مجله علوم پزشکی صدر، صص ۵۷-۶۶.

دبیری، میرجلیلی. (۱۳۹۷). ماهیت نظریه اخلاقی. پژوهش‌نامه اخلاق، (۴۱)، صص ۷-۲۰.
دشتیان، سوده؛ زارع، شیوا؛ خرم‌دل، کاظم. (۱۴۰۰). چندهمسری و پیامدهای روانی اجتماعی آن برای زنان. مجله روان‌شناسی و روان‌پزشکی شناخت، ۱ (۵)، صص ۳۹-۵۵.

دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۷۳). لغت‌نامه. ج ۱۱. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
الرازی، أبوالحسین أحمد بن فارس بن زکریاء. (۱۴۲۳ق). مقاییس اللغة. بی‌جا: اتحاد الکتاب العرب.

رضوانی، علی. (۱۳۹۲). شاخصه‌های تقدیم اهم بر مهم در تراحم‌های اخلاقی. معرفت اخلاقی، (۱۳)، صص ۵-۱۸.



زند، اشکان. (۱۳۹۷). کرامت انسان به عنوان فاعل اخلاق و متعلق فعل اخلاقی از منظر کانت و بررسی آن از منظر اخلاق اسلامی. (استاد راهنما: احمد فاضلی). پایان نامه ارشد فلسفه اخلاق. دانشگاه قم، دانشکده الهیات.

سبحانی، محمدتقی؛ زیبایی نژاد، محمدرضا. (۱۳۹۱). درآمدی بر نظام شخصیت زن در اسلام (بررسی مقایسه‌ای دیدگاه اسلام و غرب). قم: مرکز نشر هاجر.

شکریگی، عالیہ؛ نقی زاده، فاطمه؛ برین، زهرا. (۱۳۹۳). بررسی آثار جامعه‌شناختی تعدد زوجات بر سلامت زنان در خانواده. کنگره ملی آسیب‌شناسی خانواده (و جشنواره ملی خانواده پژوهی) دانشگاه شهید بهشتی تهران. ۶.

صدوق، محمد بن علی ابن بابویه قمی. (۱۴۱۳ ق). من لا یحضره الفقیه (محقق: علی اکبر غفاری). قم: دفتر انتشارات اسلامی.

طباطبایی، سیدمحمدحسین. (بی‌تا). المیزان (مترجم: محمدباقر موسوی همدانی). قم: اسلامی.

طوسی، محمدبن حسن. (۱۳۲۸). تهذیب الاحکام فی شرح المقنعة الشیخ المفید. تهران: دارالکتب الاسلامیه.

عبداللهی، سحر. (۱۴۰۰). پیش‌بینی تنوع‌طلبی جنسی براساس هیجان‌خواهی و خودپنداره جنسی مردان متأهل شهر قزوین (استاد راهنما: مژگان حیاتی). پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه پیام نور قزوین.

علیدوست، ابوالقاسم. (۱۳۸۸). فقه و مصلحت. قم: فرهنگ و اندیشه اسلامی.

غروی نائینی، محمدحسین. (۱۳۶۵). فوائد الاصول (تقریر محمدعلی کاظمی). قم: مؤسسه النشر الاسلامی.

غزالی، محمدبن محمد. (۱۳۷۸ ق). المستصفی من علم الاصول. بیروت: دار الارقام.

فراکنا، ویلیام کی. (۱۳۹۲). فلسفه اخلاق (مترجم: هادی صداقت). تهران: طه.

فضل الله، سیدمحمدحسین. (۱۴۱۸ ق). دنیا المرأة، بیروت: دار الملائک.



- کیسی، احمد. (۱۴۱۰ق). *فلسفه نظام الاسرة فی الاسلام*. بغداد: بی‌نا.
- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۳۸۹). *اصول کافی* (مترجم: حسین انصاریان)، تهران: دارالعرفان.
- مجلسی، محمد باقر. (۱۳۷۳). *بحار الأنوار*. تهران: اسلامی.
- محمدی، محمدرضا؛ خلج آبادی، فریده. (۱۳۸۰). مشکلات عاطفی و روانی ناشی از ناباروری و راهکارهای مقابله با آن‌ها. *نشریه باروری و ناباروری*، ۲ (۴)، صص ۳۳-۳۹.
- محمود عبد الحمید، محمد. (۱۴۱۱ق). *حقوق المرأة بین الاسلام و الدیانات الاخری*. قاهره: بی‌تا.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۸۴). *مجموعه آثار*. تهران: صدرا.
- مطیعی، انسیه؛ البرزی، مسعود. (۱۳۹۷). بررسی تطبیقی اصل انصاف و اصول عدل و انصاف. *پژوهش‌های حقوق تطبیقی*، ۲۲ (۳)، صص ۱۳۷-۱۶۱.
- مظاهری، معصومه؛ آل اسحاق خوئینی، زهرا. (۱۳۹۱). *قاعده فقهی، حقوقی انصاف، فقه و حقوق اسلامی*، (۲۷)، صص ۱۳۵-۱۶۴.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۰). *القواعد الفقهیه و الاصولیه*. قم: مدرسه الامام علی بن ابی طالب علیه السلام.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۸۶). *تفسیر نمونه*. تهران: دارالکتب الاسلامی.
- مک‌ناوتن، دیوید. (۱۳۸۰). *بصیرت اخلاقی* (مترجم: محمود فتحعلی). قم: مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی رحمته الله علیه.
- منصور، جهانگیر. (۱۳۸۴). *مجموعه قوانین با آخرین اصلاحات*. تهران: نشر دیدار.
- موسوی بجنوردی، میرزا حسن. (۱۴۱۳ق). *القواعد الفقهیه*. قم: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.
- نیگل، تامس و دیگران. (۱۳۹۲). *دانشنامه فلسفه اخلاق* (ویراستار: پل ادواردز و دونالد ام. بورچرت، مترجم: انشالله رحمتی). تهران: سوفیا.

نیلسن، کای. (۱۳۸۷). *خدا و شالوده اخلاق؛ فلسفه اخلاق* (مترجم: محمود فتحعلی). قم: نشر معارف.

وافی، علی عبدالمحمد. (۱۹۶ق). *بیت الطاعة و تعدد الزوجات و الطلاق فی الاسرة*. قاهره: بی تا.

هولمز، رابرت ال. (۱۳۸۵). *مبانی فلسفه اخلاق* (مترجم: مسعود علیا). تهران: نشر ققنوس.

یوسفی، جواد. (۱۳۹۹). *جایگاه اخلاق جنسی قبل از ازدواج و نحوه کنترل و هدایت آن در قرآن و حدیث* (استاد راهنما: سهراب مروتی). پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ایلام.

